

آثار قوة قاهره و انتفای قرارداد

دکتر حمیدرضا نیکبخت

مقدمه

در سالهای اخیر «قوة قاهره و انتفای قرارداد» به صورت کلی مورد بحث و بررسیهای نسبتاً گسترده مقاله‌های حقوقی^۱ و تحقیقات دانشگاهی^۲ قرار گرفته‌اند. به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دعاوی بسیاری در ارتباط با قراردادها مطرح شده‌اند که اگر نه در همه بلکه در غالب آنها بحث قوة قاهره یا انتفای قرارداد، به‌لحاظ وجود مصادیقی از موضوع که در رأس آنها انقلاب و اعتصابها و جنگ می‌باشد، مطرح بوده

۱. به‌عنوان نمونه مراجعه شود به: صفایی، دکتر سیدحسین، «قوة قاهره یا فورس‌ماژور»، مجله حقوقی، ۱۳۶۴، شماره ۳، ص. ۱۱۳؛ مؤمنی، دکتر فرامرز، «عقیم‌شدن قراردادهای تجاری با تأکید بر حقوق انگلیس»، مجله حقوقی، ۱۳۶۸، شماره ۱۰.

۲. به‌عنوان نمونه رجوع شود به: پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه تهران.

است.^۲ لذا ضرورتی دیده نمی‌شود که به بررسی مفصل و مجدد آنچه تاکنون انجام شده و نیز به مسائلی که روشن و واضح گردیده پرداخته شود. در مقاله حاضر سعی می‌شود بخشی از موضوع قوه قاهره و انتفای قرارداد که بیشتر در عمل مطرح می‌باشد و تاکنون هم چندان مورد بررسی قرار نگرفته، مورد تحلیل قرار گیرد و آن عمدتاً به آثار قوه قاهره و انتفای قرارداد مربوط می‌شود.

بنابراین، در این مقاله به بررسی آثار قوه قاهره و انتفای قرارداد با توجه خاص به قراردادهای خصوصی، پرداخته خواهد شد. برای این منظور لازم است که در قسمت اول مروری داشته باشیم بر کلیاتی در ارتباط با تعریف قوه قاهره و انتفای قرارداد و مصادیقی از این دو دکترین و سپس در قسمت دوم به تأثیر قوه قاهره و انتفای قرارداد بر قرارداد یا تعهدات طرفین پرداخته شود. در قسمت سوم مقاله نیز اثر این دو نهاد حقوقی بر

۲. برای دیدن نمونه مراجعه شود به: فهرست راهنمای (Index) مجموعه گزارشهای دیوان داوران دعوی ایران و امریکا از سال ۱۹۸۱ تاکنون، به زبان انگلیسی:

"Iran - United States Claims Tribunal Reports", Grotius Publication Limited 1981 - 1996.

خسارت وارده به طرف قرارداد (مسئولیت متعهد) مورد تحقیق قرار خواهد گرفت. در این قسمت مشخصاً تأثیر اطلاع دادن یا ندادن وقوع یا وجود حالت قوه قاهره و انتفای قرارداد به طرف دیگر قرارداد بر مسئولیت متخلف از قرارداد تحت بررسی خواهد بود و در پایان به نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

قسمت ۱

تعریف و مصادیق قوه قاهره و انتفای قرارداد

در زبان فارسی قوه قاهره یا قوه قهریه را معادل «فورس‌ماژور»^۴ که یک اصطلاح فرانسوی است استعمال می‌نماییم. عبارت فورس‌ماژور در زبان فرانسه از دو کلمه «فورس» به معنای نیرو یا قوه و «ماژور» به معنای بزرگتر یا عمده تشکیل شده است و ترکیب این دو کلمه در معنای نیروی بزرگ غیرقابل مقاومت یا حادثه‌ای که شخص نمی‌تواند از آن جلوگیری کند و

4. Force Majeure.

مسئول آن هم نیست به‌کار می‌رود.^۵ قوه قاهره در قانون مدنی فرانسه به‌کار رفته اما تعریفی از آن به‌عمل نیامده است.^۶ آقای دکتر صفایی ضمن بیان اینکه در حقوق فرانسه فورس‌ماژور دارای معنای عام و معنای خاص است به نقل از فرهنگ اصطلاحات حقوقی فرانسوی Lexique de Terms Juridiques می‌نویسند: «در تعریف «فورس‌ماژور» چنین آمده است: حقوق مدنی - به‌معنای عام، هر حادثه غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب است که متعهد را از اجرای تعهد بازدارد. فورس‌ماژور موجب برائت است. فورس‌ماژور به‌معنی خاص، در مقابل حادثه غیرمترقبه قرار می‌گیرد و عبارت از حادثه برونی است؛ بدین‌معنی که حادث باید کاملاً بیگانه با شخص متعهد باشد (نیروی طبیعی، عمل دولت، عمل شخص ثالث)».^۷ بنابراین از نظر

۵. به‌عنوان مثال، در فرهنگ لغات فرانسوی رُبرت «فورس‌ماژور» چنین معنا شده است.

"evenement qui n'a pu être prévu ni empêché, ni surmonté et qui libère le débiteur de son obligation", La Robert Dictionnaire Alphanétique et analogique la langue française, Edition, SNL, Le Robert, Paris, 1988.

۶. ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی فرانسه با دربر داشتن عبارات force majeure و Cas fortuit قوه قاهره و حوادث غیرمترقبه را در حقوق مدنی فرانسه پیش‌بینی می‌کند.

۷. صفایی، دکتر سیدحسین؛ «قوه قاهره یا فورس‌ماژور» مجله حقوقی، ۱۳۶۴، شماره ۳، ص ۱۱۳.

حقوقی حادثه‌ای قوه قاهره محسوب خواهد شد که اولاً، غیرقابل اجتناب باشد، ثانیاً، غیرقابل پیش‌بینی باشد و ثالثاً، خارجی باشد.

در فرهنگ فارسی قوه به معنای قوت، زور، قدرت، نیرو و قاهره به معنای غالب، مقهورکننده و چیره می‌باشد.^۸ در قانون مدنی ایران نیز نه تنها تعریف جامعی از عبارت قوه قاهره وجود ندارد بلکه این عبارت به کار هم نرفته است.^۹ اما حقوقدانان ایرانی از قوه قاهره تعریفی تقریباً مشابه تعریف حقوقی فرانسوی ارائه می‌دهند. مثلاً در تعریفی چنین آمده: آنچه قابل پیش‌بینی نبوده و قابل اجتناب نیز نباشد و متعهد را در حالت عدم قدرت بر اجرای تعهد خویش قرار دهد و یا موجب

۸. فرهنگ فارسی، دکتر معین.

۹. مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران به عنوان قواعد مربوط به قوه قاهره محسوب می‌شوند و علی‌رغم اینکه گفته شده است که ماده ۲۲۷ قانون مدنی ایران از ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی فرانسه اقتباس شده است (جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر؛ حقوق تعهدات، ص ۲۸۲) فاقد تعریف و تصریح قوه قاهره می‌باشند، امامی، دکتر سیدحسن؛ «حقوق مدنی»، جلد ۱، ص ۲۴۱. بند ۴ ماده ۱۳۱۲ قانون مدنی اشاره به حوادث غیرمترقبه دارد. اما در ماده ۷۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۱۳۱ و ۱۵۰ قانون دریایی از قوه قاهره و قوه قهریه نام برده می‌شود.

معافیت کسی که به علت عدم توانایی خسارتی به متعهدله، خود یا متضرر دیگری وارد کرده است گردد، مانند حریق که بدون عمد و تخطی صاحب کارخانه در کارخانه اتفاق افتد و در نتیجه او نتواند سفارشات را که قبول کرده به انجام برساند...»^{۱۰}

در خصوص مصادیق قوه قاهره، سیستمهای حقوقی مختلف ساکت هستند. از اینرو تعیین مصداق اولاً بستگی به توافق طرفین دارد و ثانیاً در صورت فقدان توافق بستگی به نظر دادگاه خواهد داشت که هر علت یا حادثه‌ای را که دارای خصوصیات مذکور در تعاریف بالا ببیند قوه قاهره محسوب نماید. اما رویه قضائی و آرای بین‌المللی و نظر علمای حقوق موارد بسیاری را از قبیل وقوع جنگ، انقلاب، اعتصاب، شورش، سیل، زلزله، آتشسوزی به‌عنوان مصادیق قوه قاهره برشمرده‌اند. لذا در غالب قراردادهای به‌خصوص قراردادهای بین‌المللی، طرفین با توافق و نظر خود قوه قاهره را تعریف و مصادیق آن را به‌صورت شرط قرارداد ذکر

۱۰. جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر؛ «ترمینولوژی حقوق»، ص ۵۵۳.

می‌نمایند.^{۱۱} در خصوص توافق طرفین در مورد قوه قاهره باید در نظر داشت که قاعداً قواعد قانونی مربوط به قوه قاهره در سیستم‌های حقوقی از قواعد تخییری یا تفسیری محسوب می‌شوند و لذا توافق طرفین برخلاف آن قواعد معتبر می‌باشد. بنابراین در چنین قراردادی قوه قاهره در همان حدّ قاعده قراردادی توافق شده (قصد طرفین) تفسیر خواهد شد.^{۱۲}

۱۱. به‌عنوان نمونه در یک قرارداد پیمانکاری ممکن است چنین شرط شود: قوه قاهره حادثه‌ای است که خارج از کنترل آن طرفی است که ادعا می‌کند تحت تأثیر آن قرار گرفته و بر اجرای تعهد وی اثر نامطلوب گذاشته از جمله، جنگ، تجاوز خارجی، عمل دشمنان، انقلاب، طغیان و شورش، اعتصاب، تعطیل کار از طرف اشخاص ثالث، آشوب داخلی، اعمال اشخاص بدخواه از طرف یا در ارتباط با گروه‌ها یا سازمان‌های خاص ... در صورتی‌که اجرای قرارداد به‌لحاظ حوادث ذکر شده در بالا به مدت [مثلاً ۴ ماه] یا هر مدتی که طرفین توافق کنند، متوقف شود، هریک از طرفین می‌تواند با یک اخطار [مثلاً یک ماهه] به دیگری قرارداد را خاتمه دهد یا منحل نماید یا ممکن است به‌طور خلاصه در قرارداد چنین شرط شود که هریک از طرفین برای قصور و تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی که به‌لحاظ جنگ، جنگ داخلی، اعتصاب، شورش و هر واقعه‌ای که خارج از کنترل عرفی و بدون تقصیر آن طرف می‌باشد، مسئول نخواهد بود.

۱۲. در سیستم حقوقی انگلستان مواردی وجود دارد که دادگاه خلاف توافق طرفین در خصوص مواردی که جزء قوه قاهره محسوب می‌شوند تصمیم گرفته است. به‌عنوان نمونه مراجعه شود به:

Jackson v. Union Marine Insurance Co. Ltd., (1847), L.R. 10 CP 125; Pacific Phosphate Co., Ltd., v. Empire Transport Co., Ltd., (1920), 36 TLR. 750.

آثار قوه قاهره و ... ❖ ۱۰۱

انتفای قرارداد یا عقیم شدن قرارداد را معادل فارسی واژه انگلیسی فراستریشن^{۱۳} به کار می‌بریم. دکترین فراستریشن قرارداد از نهادهای نظام حقوقی کامن‌لا و مشخصاً سیستم حقوقی انگلستان می‌باشد و کاربرد آن با تفاوت‌های خاصی مشابه قوه قاهره در نظام حقوقی نوشته می‌باشد. فرهنگ اصطلاحات حقوقی انگلیسی انتفای قرارداد را چنین تعریف کرده است: «هنگامی‌که واقعه یا تغییر اوضاع و احوال آن‌چنان اساسی است که بر بنیان قرارداد به‌طورکلی (یکجا) تأثیر می‌گذارد و فراتر از حد انتظار چیزی است که موردنظر طرفین بوده است، قرارداد منتفی (عقیم) شده محسوب می‌شود».^{۱۴} در تعریف مفهوم حقوقی منتفی شدن قرارداد، علمای حقوق انگلستان می‌گویند منتفی شدن قرارداد تنها زمانی واقع می‌شود که متعاقب انعقاد قرارداد، وضعیت اساساً متفاوتی به‌طور غیرمنتظره رخ دهد و درواقع اجرای قرارداد به‌صورتی‌که

13. Frustration.

14. A.L.B. Curzon: "A Dictionary of Law", 2nd e.d.

موردنظر طرفین بوده است غیرممکن شود.^{۱۵} در سیستم حقوقی انگلستان، بیان کلاسیک دکترین انتفای قرارداد توسط لرد رادکلیف در پرونده *Davis Contractors Ltd., v. Farehom Urban, District Council*^{۱۶} ارائه گردیده است. وی می‌گوید:

«... انتفای قرارداد واقع می‌شود هرگاه قانون تصدیق نماید که اجرای تعهد قراردادی بدون کوتاهی یا قصور هرکدام از طرفین غیرمقدور شده، زیرا اوضاع و احوالی که اجرای قرارداد در آن قرار می‌گیرد، آن را از بنیان با آنچه که به موجب قرارداد تعهد شده بود متفاوت می‌سازد. این آن امری نبود که من انجامش را تعهد کردم (*Non haec in foedera veni*)».

بنابراین معیار اینکه آیا واقعه‌ای منتفی‌کننده قرارداد محسوب می‌شود این است که آن واقعه اجرای نهایی تعهدات قراردادی مربوطه را در مقایسه با آنچه

15. C.M. Schmitthoff: "The Law & Practice of International Trade", 9th ed., Stevens & Sons, 1990, p. 147.

16. [1956] A.C. 696, 729.

که به موجب قرارداد تهیه شده بود « از بنیان متفاوت» نماید.^{۱۷} در این صورت تفاوتی بین واقعه موقتی و دائم نمی‌باشد و کافی است که تأخیر در اجرا، آنچنان اجرای قرارداد را عمیقاً دگرگون کند که منتهی به اجرای تعهدی کاملاً متفاوت با آنچه در ابتدا مورد نظر طرفین قرارداد بوده است بشود. در این صورت طرفین برای همیشه از تعهداتشان معاف خواهند شد.^{۱۸}

در سیستم حقوقی انگلستان، ارائه فهرست کاملی از وقایع منتفی‌کننده قرارداد امکان‌پذیر نیست. اما موارد ذیل نمونه‌هایی هستند که به موجب رویه قضائی انگلستان غالباً منتفی‌کننده قرارداد محسوب شده‌اند:

۱. از بین رفتن موضوع قرارداد.
- چنانچه اجرای قرارداد بستگی به وجود یک شخص یا شیء خاص داشته باشد و پس از انعقاد قرارداد آن شخص یا شیء به‌طور فیزیکی از بین برود؛^{۱۹}
۲. غیرقانونی شدن غیرمترقبه

17. Pioneer Shipping Ltd., v. BTP Tioxide Ltd., The Nema [1982] A.C. 724, 752.

18. Barry Nicholas: "Force Majeure and Frustration", American Journal of Comparative Law, 27 (1979), p. 234.

19. Taylor v. Caldwell, (1863) 3 B. & S. 826, 839.

(ناگهانی). چنانچه بعد از انعقاد قرارداد معتبري، جنگي واقع شود يا قانوني عوض شود يا مثلاً ممنوعيتهاي صادرات و واردات برقرار شود، يا دولت دخالت کند (مثل مصادره اموال)، انجام قرارداد غيرقانوني و در نتيجه منتفي خواهد شد؛^{۲۰}

۳. هنگامي که يکي از طرفين فوت کند يا اهليت خود را از دست بدهد. در قراردادهاي که خدمات شخصي مطرح است، فوت يا بيماري حادث شخصي که قرار است آن خدمت را ارائه دهد موجب منتفي شدن قرارداد خواهد شد؛^{۲۱}

۴. هنگامي که قرارداد بستگي به رویداد خاصي دارد و آن رویداد واقع نشود، قرارداد منتفي شده محسوب خواهد شد؛^{۲۲}

۵. تغيير اساسي اوضاع و احوال. چنانچه بعد از انعقاد قرارداد آنچهان تغييرات اساسي در اوضاع و احوال واقع شود به طوري که بنیان قرارداد از بین

20. Joseph Constantine Steamship Line Ltd. v. Imperial Smelting Corporation, [1942] A.C. 154.

21. Condor v. The Barran knights Ltd., [1966]1 W.L.R. 87.

22. Krell v. Henry, [1903]2 K.B. 740.

برود یا قرارداد منتهی به قرارداد جدیدی متفاوت با قرارداد اولیه که توسط طرفین توافق شده بشود، قرارداد منتفی خواهد شد.^{۲۳}

باید توجه داشت که قراردادی که موجب منتفی شدن آن خود شخص^{۲۴} یا اشخاصی که وی مسئول عمل آنهاست، بوده است، مانع مسئولیت او نخواهد بود. ماهیت دکترین منتفی شدن قرارداد این است که نباید به واسطه عمل یا انتخاب خود طرف (متعهد) باشد.^{۲۵}

قسمت ۲

تأثیر قوه قاهره و انتفای قرارداد بر قرارداد یا تعهدات طرفین

الف. آثار قوه قاهره

قوه قاهره اصولاً یک دفاع است. لذا قاعدهتاً زمانی مطرح می‌شود که یک طرف (متعهدله) ادعای نقض قرارداد را توسط

23. Joseph Constantine Steamship Line Ltd, v. Imperial Smelting Corporation, [1942] A.C. 154. Davis Contractors Ltd., v. Farehom U.D.C. [1956] A.C. 696, 729.

24. Self-induced frustration.

25. Bank Line Ltd., v. Arthur Capel & Co. [1919] A.C. 345; Maritime National Fish Ltd. v. Ocean Travelers Ltd., [1935] A.C. 524.

طرف دیگر (متعهد) مطرح می‌کند و مطالبه خسارت می‌نماید.^{۲۶} این دعوا دو حالت دارد، یکی اینکه متعهد تعهد خود را ایفا ننموده و قصد ایفای آن را هم ندارد یا کلاً دیگر نمی‌تواند ایفا نماید و متعهدله به این نتیجه رسیده است که از طریق اقامه دعوا، خسارت مطالبه کند و یا اجبار متعهد را به انجام تعهد درخواست نماید. دیگر اینکه به علت وقوع قوه قاهره در حین انجام قرارداد، اجرای آن برای مدتی متوقف و سپس کار (اجرا) از سرگرفته شده و به لحاظ این توقف خساراتی به متعهدله وارد آمده است و اکنون وی آن خسارت را مطالبه می‌نماید. پرسش دیگری که در این زمینه مطرح است آن است که چنانچه یک طرف قرارداد به علت قوه قاهره تعهد خود را ایفا ننماید تکلیف طرف دیگر چیست؟ آیا طرف دیگر

۲۶. باید توجه داشت که همان‌گونه که قبلاً اشاره شد و بعد از این مفصل بیان خواهد گردید، مواردی وجود دارد که قوه قاهره در قانون تصریح شده و آثار آن بر قرارداد مشخص گردیده است. در این موارد ممکن است بحث نقض قرارداد و پرداخت خسارت مطرح نباشد بلکه یک طرف بخواهد از آثار قانونی تصریح شده مثل فسخ، ابطال و امثال آنها استفاده نماید. در چنین مواردی دیگر قوه قاهره دفاع محسوب نمی‌شود بلکه در قالب ادعا توسط خواهان مطرح و باید اثبات شود.

باید تعهد مربوط به خود را انجام دهد؟
بنابراین گرچه مطلب اساسی در قوه
قاهره تصمیم‌گیری درخصوص خسارت توسط
دادگاه می‌باشد، اما برای این منظور ممکن
است مسئله تعهد طرف مقابل (متعهدله) در
حالت قوه قاهره (برای متعهد) نیز مطرح
شود. بدین معنی که چون فقط متعهد در
حالت قوه قاهره بوده بنابراین متعهدله
باید تعهد خود را انجام می‌داد و چون او
تعهد خود را انجام نداده (در برابر
متعهد) ناقض قرارداد است. پس قبل از
بررسی خسارت، دادگاه نیازمند مشخص
نمودن وضعیت خود قرارداد در حالت قوه
قاهره خواهد بود.

قوه قاهره به یکی از دو صورت زیر
بر قرارداد یا تعهدات طرفین اثر خواهد
کرد:

۱. ممکن است در اثر قوه قاهره
اجرای تعهدات قراردادی توسط هر دو طرف
غیرممکن گردد، مثل وقوع انقلاب که باعث
شود پیمانکار نتواند کار احداث پروژه
ساختمانی را ادامه دهد و کارفرما هم
نتواند وجه مقرر در قرارداد را در زمان
خود بپردازد.

۲. ممکن است در اثر قوه قاهره اجرای تعهد یکی از طرفین غیرممکن شود مثل اینکه ریزش برف سنگین جاده‌ها را مسدود کرده و مانع شود شرکت حمل‌کننده کالا که کرایه حمل را قبلاً دریافت داشته است محموله را در زمان مقرر به مقصد برساند و باعث ضرر و زیان به صاحب محموله شود.

در هر دو صورت اثر قوه قاهره بر تعهدات یا قرارداد طرفین ممکن است کوتاه‌مدت و موقتی یا درازمدت و دائمی باشد و در هر دو حالت مسئله نقض تعهد یا قرارداد (به علت قوه قاهره) مطرح خواهد بود. این بدان جهت است که در همه سیستمهای حقوقی مختلف اصل لزوم قراردادها یا وفای به عهد^{۲۷} پذیرفته شده است و قراردادی که صحیحاً بین طرفین منعقد شده است در هر شرایطی برای آنها الزام‌آور می‌باشد. در نتیجه چنانچه یکی از طرفین به هر دلیلی از جمله قوه

۲۷. *pacta sunt servanda* یا اوفوا بالعقود یا المؤمنون عند شروطهم. البته جای بحث است که این قواعد هم در سطح بین‌المللی و هم در شرع مقدس اسلام ممکن است با قواعدی مثل *rebus sic stantibus* و نفی عسر و حرج، استیمان، حدیث رفع، احسان، اقدام، لاضرر محدود شوند.

قاهره به تعهد خود عمل نکند خلاف اصل عمل کرده و ناقض قرارداد می‌باشد.

ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران، در بیان اصل لزوم قراردادها مقرر می‌دارد که: «قراردادی که بین طرفین منعقد شده بین آنها و قائم مقامشان لازم الاتباع است» و براساس ماده ۲۲۱ قانون مدنی در صورت تخلف یکی از طرفین، متخلف مسئول خسارات طرف مقابل خواهد بود. به این ترتیب، حتی در مواردی که علت تخلف از اجرای قرارداد قوه قاهره باشد، اصل وجود تخلف از قرارداد و نقض آن منتفی نخواهد شد. به عبارت دیگر، به علت قوه قاهره هیچ تعهد قراردادی از طرفین ساقط نخواهد شد مگر پرداخت خسارت که آن هم برحسب قانون ساقط می‌شود. این است که در ماده ۲۶۴ قانون مدنی که موجبات سقوط تعهدات را مشخص نموده قوه قاهره از موارد سقوط تعهدات ذکر نکرده است.^{۲۸} مواد ۲۲۷ و

۲۸. ماده ۲۶۴ ق.م. شش مورد (وفای به عهد، اقامه، ابراء، تبدیل تعهد، تهاتر، مالکیت فی‌الذمه) را به عنوان مسقط تعهد نام می‌برد. مؤلف سقوط تعهدات معتقدند که ماده ۲۶۴ ق.م. شش از ماده ۱۲۳۴ ق. مدنی فرانسه اقتباس گردیده که از نه سببی که آن ماده برای سقوط تعهدات برمی‌شمارد چهار سبب (تلف مورد تعهد، بطلان یا فسخ تعهد، تحقق شرط انحلال عقد، مرور زمان) در ماده

۲۲۹ قانون مدني نيز مقرر مي‌دارند كه متخلف از انجام تعهد در صورت اثبات وجود قوه قاهره از پرداخت خسارت (كه در غير موارد قوه قاهره الزامي است) معاف خواهد بود. بنا بر اين در قانون مدني ايران اصل بر آن است كه قرارداد در هر وضعيتي بايد اجرا شود و حتي با عدم اجراي تعهد توسط يكي از طرفين، طرف ديگر نمي‌تواند از اجراي تعهد خود امتناع نمايد يا به عبارتي قرارداد را منحل يا فسخ نمايد، مگر در موارد خاص.^{۲۹}

۲۶۴ وارد نشده است. ايشان متذكر مي‌شوند كه با توجه به مجموع مقررات قانون مدني ايران مي‌توان سه سبب از اسباب ذكر نشده در ماده ۲۶۴ (فسخ، تلف مورد تعهد و مرور زمان) را به اسباب ذكر شده در اين ماده افزود. در اين تأليف، در مبحث «تلف مال مورد تعهد و ناممكن شدن عمل مورد تعهد»، ناممكن شدن عمل مورد تعهد به هميشگي و موقت تقسيم مي‌شود و بيان مي‌گردد كه مورد اول (ناممكن شدن هميشگي) از اسباب سقوط تعهد و آزاد شدن ذمه متعهد است، اما در مورد دوم تعهد پابرجا و متعهد بايد پس از ممكن شدن انجام عمل، تعهد خود را ايفا نمايد. شهيد، دكتور مهدي، «سقوط تعهدات»، كانون وكلاي دادگستري، چاپ سوم، ۱۳۷۳، صص ۲۳ و ۲۰۶.

۲۹. به عنوان مثال، در خصوص قرارداد بيع ماده ۳۹۵ قانون مدني مقرر مي‌دارد: «اگر مشتري ثمن را در موعد مقرر تأديه نكند بايع حق خواهد داشت كه برطبق مقررات راجع به خيار تأخير ثمن معامله را فسخ يا از حاكم اجبار مشتري را به تأديه ثمن بخواهد». به موارد خاص مربوط به قوه قاهره بعداً اشاره خواهد شد.

آثار قوه قاهره و ... ❖ ۱۱۱

قواعد كلي مربوط به قوه قاهره در قانون مدني (مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ ق.م.ا.) در خصوص وضعيت قرارداد در حالت قوه قاهره ساکت مي‌باشند. پس اين دادگاه است که با در نظر گرفتن شرايط، اوضاع و احوال و زمان و مکان تصميم مي‌گيرد که آیا قراردادي که در حالت قوه قاهره قرار گرفته معلق مي‌شود يا منحل، و يا قابل ابطال است و يا قابل فسخ. قطعاً دادگاه در اين تصميم‌گيري به اراده طرفين توجه خاص خواهد نمود و در خصوص اينکه آیا قرارداد پس از برطرف شدن قوه قاهره به اجرا درآيد مسائلي از قبيل اينکه آیا اجرائي مجدد قرارداد همان فايده اوليه را براي طرفين دارد يا مطابق اراده آنها مي‌باشد، و آیا ماهيت قرارداد بعد از تعليق و اجرائي مجدد همان ماهيت اوليه است، در نظر خواهد گرفت. بديهي است چنانچه قوه قاهره موقتي باشد و پس از مدت کوتاهي از بين برود اثر آن بيشتر تعليق اجرائي تعهد خواهد بود و بعد از آن اجرائي تعهد يك طرف يا طرفين از سر گرفته خواهد شد. اما چنانچه قوه قاهره در مدت طولاني ادامه

داشته باشد و باعث عدم امکان دائمی اجرای تعهد شود، اثر آن بیشتر انحلال قرارداد خواهد بود.^{۳۰}

در قانون مدنی حالات خاصی که ممکن است بعضاً آنها را به قوه قاهره تفسیر نمود، نسبت به پاره‌ای از عقود معین پیش‌بینی شده که قانونگذار حکم صریح و مشخص در این حالات در خصوص وضعیت قرارداد مربوطه مقرر کرده است.^{۳۱} همچنین در قانون دریایی ایران در موارد خاصی تأثیر قوه قاهره بر قراردادهای مربوطه را به‌صوت فسخ قرارداد،^{۳۲} انحلال یا

۳۰. در خصوص نظریه علمای حقوق به‌عنوان نمونه مراجعه شود به: صفایی، دکتر سیدحسین، «قوه قاهره»، مجله حقوقی، شماره ۳، ص ۱۲۰.

۳۱. به‌عنوان مثال، ماده ۳۸۷ ق.م: «اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود بیع منفسخ می‌شود»؛ ماده ۴۹۳ ق.م: «اگر عین مستأجره بدون تفریط یا تعدی [مستأجر] کلاً یا بعضاً تلف شود مسئول نخواهد بود»؛ ماده ۵۲۷ ق.م: «هرگاه زمین به‌واسطه فقدان آب یا علل دیگر از این قبیل از قابلیت انتفاع خارج شود و رفع مانع ممکن نباشد عقد مزارعه منفسخ می‌شود»؛ ماده ۲۴۰ ق.م: «اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود کسی که شرط به نفع او شده است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت...».

۳۲. ماده ۱۰۴ قانون دریایی: «اگر قبل از حرکت کشتی تجاری، تجارت با کشوری که کالا به مقصد آن بارگیری شده ممنوع شود، قراردادهای مربوطه بدون پرداخت خسارت فسخ می‌گردد و فرستنده محموله مسئول مخارج مربوطه خواهد بود».

كان لم يكن تلقي شدن قرارداد^{۳۳} و تعليق قرارداد^{۳۴} پیش‌بینی نموده است.

بنابراین قاعده مربوط به تأثیر قوه قاهره بر تعهدات طرفین یا قرارداد این است که با وجود قوه قاهره قرارداد به قوت خود باقی است و طرفی که نمی‌تواند تعهد مربوط به خود را انجام دهد به هر حال متخلف محسوب می‌شود اما معاف از پرداخت خسارت به طرف دیگر خواهد بود، مگر در مواردی که حکم قانونی خاصی وجود دارد.

در قانون مدنی فرانسه بیان صریحی از نتیجه غیرممکن شدن کامل اجرای قرارداد وجود ندارد. اما مدلول موادی نظیر مواد ۱۷۲۲، ۱۷۴۱، ۱۷۸۸، ۱۷۹۰، ۱۸۶۷ این قانون حاکی است که متعهد از

۳۳. ماده ۱۲۱ ق. دریایی: «هرگاه کشتی نتواند به علت ممنوع بودن تجارت یا بندر مقصد و با محاصره اقتصادی بندر مقصد یا به علت قوه قاهره حرکت کند، قرارداد مسافرت کأن لم یکن تلقی می‌گردد و هیچ‌یک از طرفین حق مطالبه خسارت از طرف دیگر را نخواهد داشت».

۳۴. ماده ۱۵۰ ق. دریایی: «(الف) در صورتی که کشتی نتواند به علت قوه قهریه از بندر خارج شود قرارداد اجاره برای مدت متعارف به قوت خود باقی می‌ماند و خسارت ناشی از تأخیر در حرکت کشتی قابل مطالبه نخواهد بود».

تعهدش خلاص می‌شود.^{۳۰} در این صورت مسئله خطر تلف (تئوری ریسک) به‌خصوص در قراردادها (عقود) دوطرفه و درازمدت مطرح می‌شود. پرسش این است که چه کسی مسئول خسارتهای وارده بر اثر عدم انجام قرارداد به‌موجب قوه قاهره بر طرفی است که درحالت قوه قاهره قرار گرفته است؟ به عبارت دیگر گرچه متعهد مسئول عدم اجرای تعهد خود نیست اما آیا می‌تواند اجرای متقابل را از طرف دیگر طلب کند؟ پاسخ این سؤال با توسل به دکترین علت (cause) که حاکی از اصل وابستگی تعهدات طرف دیگر می‌باشد و منتفی شدن یکی انتفای دیگری را در پی دارد و چنانچه یکطرف به‌علت قوه قاهره از تعهد خودش رها شود طرف دیگر هم از تعهد مربوط به خود خلاص می‌شود. بنابراین نه‌تنها نمی‌توان از طرف مقابل خواست که به تعهدات خود عمل کند بلکه خطر و خسارت وارده بر طرفی که تعهدش به‌وسیله قوه قاهره منتفی شده است برعهده خود او می‌باشد و چنانچه اجرای متقابلی هم

35. Barry Nicholas: "The French Law of Contract", 2nd ed., Clarendon Press Oxford, 1992, p. 205.

از جانب طرف مقابل صورت‌گرفته باشد و ی مسئول جبران آن قسمت اجرا شده خواهد بود.^{۳۶} بدیهی است که این نتیجه با فرض متخلف دانستن متعهد در عدم انجام تعهد خود به واسطه قوه قاهره نیز توجیه‌پذیر است.

در سیستم حقوقی فرانسه چنانچه منحل‌شدن قرارداد به موجب قانون یا توافق طرفین در قرارداد نباشد، به موجب ماده ۱۱۸۴ ق.م. فرانسه، لازم است که انحلال قرارداد با اثر عطف به ماسبق شونده یا تنها بر اثر فوری و نسبت به آینده، از دادگاه درخواست شود. دادگاه پس از احراز وجود قوه قاهره تصمیم خواهد گرفت که نتیجه آن آیا تعلیق قرارداد و یا انحلال و ابطال آن است.^{۳۷} براساس تئوری خطر و دکترین علت که بدان اشاره شد نتیجه غیرممکن شدن قرارداد، بطلان تعهدات هر دو طرف قرارداد می‌باشد بدون نیاز رجوع به دادگاه برای فسخ قرارداد و در هرکجا که لازم باشد جبران عمل طرف مقابل را هم در پی خواهد داشت. این

36. *Ibid.*

37. Henry Lesguillons: "Frustration, Force majeure, Imprévision, Wegfall der Geschäftsgrund Lage", D.P.C.I., December 1979, No. 4, p. 507.

قاعده مطابق اصل است و روشی است که توسط دکترین پذیرفته شده است.^{۳۸} به هر حال رویه قضائی تثبیت شده ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی را اعمال می نماید که فسخ قرارداد در صورت عدم اجرای قرارداد، توسط دادگاه را پیش بینی می کند. دادگاهها با اعمال این ماده، اختیار دارند که قرارداد را فسخ نمایند یا در صورتی که عدم اجرای نسبی (مربوط به قسمتی از قرارداد است) یا موقتی است آن را قابل ادامه تلقی کنند و فسخ ننمایند.^{۳۹}

ب. آثار دکترین انتفای قرارداد

تا قرن هفدهم میلادی قاعده در سیستم حقوقی انگلستان غیرقابل انعطاف و مطلق بودن قراردادها بوده است. براساس این قاعده طرف قرارداد باید تعهد قراردادی اش را انجام می داد حتی اگرچه اجرای قرارداد بعداً غیرممکن می شد.^{۴۰} بنابراین تا آن زمان هیچ حادثه ای حتی

38. Barry Nicholas: "The French Law of Contract", 2nd ed., Clarendon press Oxford, 1992, p. 206.

39. Paris 13.11.1943. Gaz. Pal. 1943. 2. 260.

40. Bottoms v. York Corporation, (1892).

حادثه منتفی‌کننده قرارداد نمی‌توانست بر قرارداد یا تعهدات طرفین اثری داشته باشد. اما به تدریج این قاعده بدین‌صورت تغییر کرد که «چنانچه طرفی به‌موجب قرارداد وظیفه یا تعهدی مطلق و غیرمشروط برای خود ایجاد کند، ملزم می‌شود که آن را عمل کند، علی‌رغم هر ضرورت غیرقابل اجتناب».^{۴۱} لذا طرفین می‌توانستند با تصریح موارد معافیت از مسئولیت در قرارداد خود از این حالت سخت‌رهایی یابند. اما بالاخره در سال ۱۸۶۳ با پذیرفته‌شدن دکترین منتفی‌شدن قرارداد به‌عنوان استثناء بر قاعده سابق^{۴۲} اثر آن بدین‌گونه در حقوق انگلستان تثبیت شد که وقوع حادثه منتفی‌کننده قرارداد را فوراً و بدون نیاز به هیچ چیز دیگری به‌طور خودبه‌خود خاتمه می‌دهد.^{۴۳}

قاضی انگلیسی، لُرد رایت، درخصوص اثر حادثه منتفی‌کننده قرارداد می‌گوید:

41. *Paradine v. Jane*, (1947), *Aleyn*, 26.

42. برای اولین‌بار دکترین انتفای قرارداد در پرونده *Taylor v. Caldwell*, (1863), 3B. & S. 826 با ازبین‌رفتن فیزیکی موضوع قرارداد (مورد تعهد) قبل از موعد اجرا، به‌کار گرفته شد.

43. *Hirji Mulji v. Cheong yne Steamship Co.*, [1926] A.C. 497.

از زمان وقوع حادثه «به نظر من قرارداد به طور خودبه خود (اتوماتيك) نسبت به آینده خاتمه می‌یابد، زیرا در آن تاریخ، اجرای بعدی و بیشتر قرارداد در شرایطی که هیچ مسئولیتی برای خسارت به لحاظ قصور، برعهده هیچ‌یک از طرفین وجود ندارد، غیرممکن می‌شود».^{۴۴} لرد سایمون نیز در این زمینه می‌گوید: «اثر حقوقی دکترین [انتفای قرارداد] این نیست که به عنوان دفاع یک طرف در مقابل ادعای طرف دیگر اقامه شود. این دکترین خود قرارداد را می‌کشد و از بین می‌برد و دو طرف قرارداد را خودبه خود از مسئولیت [اجرا] معاف می‌کند. بنابراین قرارداد از تاریخ وقوع حادثه منتفی‌کننده باطل می‌شود و طرفین از مسئولیت اجرای بعدی [بیشتر] قرارداد معاف می‌گردند و تنها آنچه باقی می‌ماند تعیین تکلیف تعدیل حقوق و تکالیف طرفین است، به موجب قرارداد، در ارتباط با زمان قبل از وقوع حادثه منتفی‌کننده».^{۴۵}

44. Fibrosa Spolka Akcyjna v. Fairbairn Lawson Comb Barbour Ltd., [1983] A.C. 32 at, p. 270.

45. Joseph Constantin Steamship Line Ltd., v. Imperial Smelting Corporaion Ltd., [1942] A.C. 154, 163.

قسمت ۳

تأثير قوة قاهرة و انتفای قرارداد بر خسارت (مسئولیت متعهد)

الف. تأثير قوة قاهرة

بديهي است چنانچه پس از انعقاد عقد و به خصوص در حين انجام آن، قوة قاهرة واقع شود و انجام تعهد يکي از طرفين يا هر دو طرف قرارداد غيرمقدور شود خساراتي براي طرف ديگر يا هر دو طرف خواهد داشت. گرچه همانگونه که در بالا ذکر گرديد، چنانچه يکي از طرفين قرارداد در انجام تعهدش قصور نمايد، اصولاً مسئول خسارت طرف مقابل نيز خواهد بود، اما در صورتي که طرف متخلف اثبات نمايد که عدم انجام تعهد به واسطه قوة قاهرة بوده است سيستم حقيقي فرانسه و همچنين سيستم حقيقي ايران پذيرفته اند که متخلف از پرداخت خسارت معاف خواهد بود. ماده ۱۱۴۷ قانون مدني فرانسه مقرر مي دارد:

«متعهد به پرداخت خسارت محکوم ميشود، در صورت اقتضاء، خواه به لحاظ عدم اجرائي تعهد خواه به لحاظ تأخير در

اجرای آن، هرگاه نتواند ثابت کند که عدم اجرا به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌شود به وی استناد نمود، هرچند که سوء نیت هم از طرف وی وجود نداشته باشد».

مادة ۱۱۴۸ قانون مدنی فرانسه نیز بیان می‌دارد که:

«مناسبتی برای پرداخت خسارت وجود ندارد، هنگامی که در نتیجه قوه قاهره [Force majeure] یا حادثه غیرمترقبه [Cas fortuit] متعهد متعذر شده باشد از انتقال یا انجام آنچه که متعهد بوده، یا انجام داده باشد آنچه ممنوع از انجام آن بوده».^{۴۶}

46. 1147: Le débiteur est condamné, s'il y a lieu, au payment de dommages et intérêt, soit à raison de l' in exécution de l'obligation, soit à raison du retard dans l'exécution, toutes les fois qu'il ne justifie pas que l'in exécution provient d'une cause étrangère qui ne peut lui être imputée, encore qu'il n'y ait aucune mauvaise foi de sa part.

1148: Il n'y a lieu á aucuns dommages et intérêts lorsque, poursuite d'une force majeure ou d'un cas fortuit, le débiteur a été empêché de donner ou de faire ce a quoi il était obligé, ou a fait ce qui lui était interdit.

ترجمه انگلیسی مواد ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ قانون مدنی فرانسه عبارت است از:

1147; "The debtor is condemned, where appropriate, to the payment of damages, either on account of the non – performance of the obligation or on account of delay in its performance when ever he does not show that the non – performance is due to an external cause which can not be imputed to him, even if there is no bad faith on his part".

آثار قوه قاهره و ... ❖ ۱۲۱

مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران به ترتیب معادل دو ماده ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ از قانون مدنی فرانسه می‌باشند. بنابراین قوه قاهره در سیستم حقوقی فرانسه و ایران جز در مواردی که نص قانونی خلاف وجود داشته باشد، به‌طور خودبه‌خود تأثیر حقوقی بر قرارداد ندارد بلکه اثر آن در مرحله نتایج نقض قرارداد است و طرف متخلف از اجرای تعهد باید وجود آن را به‌عنوان مانع اجرا و در دفاع در مقابل دعوی خواهان اثبات نماید که در این صورت تخلف وی در اجرای قرارداد و پرداخت خسارت مربوطه بخشیده خواهد شد و مسئولیتی به‌دنبال نخواهد داشت.

سوالی که در اینجا مطرح است این است که خسارت چیست؟ همان‌گونه که قبلاً ذکر گردید ماده ۲۲۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «در صورت تخلف متعهد در انجام تعهد، وی (متخلف) مسئول «خسارت» طرف مقابل خواهد بود». همچنین در ماده ۲۲۶ قانون مدنی آمده است: «در مورد عدم

1148: "There is no occasion for damages where, in consequence of force majeure of (doing unexpected) accident the debtor has been prevented from conveying or what to which he was obliged or has done what he was debarred from doing.

ایفای تعهد از طرف یکی از متعاملین طرف دیگر نمی‌تواند ادعای «خسارت» کند...». از طرفی نیز ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «در صورتی دادگاه حکم «خسارت» می‌دهد که مدعی ثابت کند که ضرر به او وارد شده... ضرر ممکن است به واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می‌شده است». گفته شده است خسارت در ماده ۲۲۱ به معنای ضرر می‌باشد و در ماده ۲۲۶ به معنی چیزی که برای جبران ضرر داده می‌شود.^{۴۷} بنابراین از مجموع مواد فوق‌الذکر مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی چنین نتیجه می‌شود که متخلف از انجام تعهد چنانچه وقوع قوه قاهره را اثبات نماید محکوم به پرداخت ضررهای وارده به طرف دیگر (اعم از بین رفتن مالی یا فوت شدن منفعتی از وی) نخواهد شد.

در بعضی موارد خاص که قانون مدنی یا سایر قوانین ایران به نوعی قوه قاهره را پیش‌بینی نموده‌اند وضعیت مسئولیت

۴۷. امامی، دکتر سیدحسن؛ حقوق مدنی، جلد اول، صفحه ۲۳۹.

متعهد را نیز روشن کرده‌اند. مثلاً ماده ۳۸۷ ق.م.م. مقرر می‌دارد: «چنانچه مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال بایع تلف شود، ثمن باشد به مشتری مسترد گردد»؛ یا ماده ۳۸۶ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «چنانچه مال‌التجاره در اثر حوادثی که هیچ متصدی مواظبی نمی‌تواند از آن جلوگیری نماید تلف یا گم شود، متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن نخواهد بود»؛ یا ماده ۱۰۴ قانون دریایی برای وجود نوعی قوه قاهره برای حمل‌کننده کالا مقرر می‌دارد: «قرارداد بدون پرداخت خسارت فسخ خواهد شد و فرستنده محموله مسئول مخارج مربوطه خواهد بود» و همچنین در ماده ۱۵۰ در بند (الف) برای وجود نوعی دیگر از قوه قاهره که قرارداد را برای مدت متعارف معلق می‌نماید خسارت ناشی از تأخیر در حرکت کشتی را قابل‌مطالبه نمی‌دانند و در بند (ب) مقرر می‌دارد: «مال‌الاجاره اضافی نسبت به مدت اضافی که کشتی اجاره شده به‌علت قوه قهریه متوقف شده تعلق نمی‌گیرد و در ایام توقف غذا و مسکن کارکنان کشتی جزء خسارت واره حساب می‌شود».

همان‌گونه که قبلاً بیان گردید، در سیستم حقوقی فرانسه که دادگاهها براساس ماده ۱۱۸۴ ق.م. درخصوص فسخ یا عدم فسخ قرارداد تصمیم می‌گیرند در جایی‌که قسمتی از قرارداد قبل از وقوع قوه قاهره انجام شده است یا جایی‌که قوه قاهره موقتی و جزئی است و تماماً یا دائماً انجام قرارداد را منع ننموده، دادگاه ممکن است قرارداد را فسخ و دستور جبران دهد یا از این‌کار امتناع نماید. البته دادگاه نمی‌تواند حکم به پرداخت خسارت دهد، اما می‌تواند اجرای تقلیل‌یافته یا ناقص بدهکار (متعهد) را به حساب آورد و تعهد متعهدله را تقلیل یا تغییر دهد.^{۴۸} نتیجه دیگری که از اقدام به‌موجب ماده ۱۱۸۴ گرفته می‌شود این است که چنانچه دادگاه دستور بر فسخ قرارداد صادر کند، اثر آن عطف به‌ماسبق شده و به ابتدای قرارداد برمی‌گردد و نتیجه فرعی آن این است که جبران عین تعهد یا جبران پولی آن برای منافی که هر یک از طرفین (از اجرای قرارداد) حاصل نموده‌اند، باید

48. Paris 13.11.1943. Gaz. Pal. 1943.2.260.

به عمل آید.^{۴۹}

ب. تأثیر دکترین انتفای قرارداد

قاعده غالب در حقوق انگلستان تا قبل از سال ۱۹۴۳ این بود: «هریک از طرفین باید تعهدات قراردادی خود را تا آن مقدار که قبل از وقوع حادثه منتفی‌کننده باید انجام شوند، انجام دهند، اما آنها نسبت به مقداری که بعد از واقعه باید انجام شوند معاف می‌گردند».^{۵۰} بنابراین طبق این قاعده قرارداد از ابتدا باطل نبوده و تا قبل از حادثه منتفی‌کننده به اعتبار کامل و تمام خود باقی می‌ماند و دکترین «ازبین رفتن کامل عوض»^{۵۱} در اینجا جاری نمی‌شد مگر اینکه قرارداد از ابتدا باطل می‌بود. اثر این قاعده این بود که چنانچه مثلاً در ارتباط با قرارداد پولی

49. Civ. 4.5.1898, S. 1898.1.281, D. 1898.1.457.

50. Fibrosa Case, *supra*, p. 58.

۵۱. Total failure of consideration به‌موجب این دکترین، چون در سیستم حقوقی انگلستان قرارداد عوض یکی از عناصر اصلی تحقق (صحت) قراردادهای ساده می‌باشد، چنانچه بعد از انعقاد قرارداد عوض از بین برود یا مشخص شود که عوض در هنگام انعقاد قرارداد وجود نداشته است، قرارداد از همان ابتدا باطل محسوب خواهد شد.

قبل از وقوع حادثه منتفی‌کننده سررسید می‌شد، متعهد باید آن را می‌پرداخت (گرچه قرارداد بعداً منتفی شده و متعهد نمی‌توانست از آن استفاده‌ای ببرد)، اما چنانچه سررسید پول بعد از وقوع حادثه می‌بود، دیگر متعهد مسئول پرداخت آن نبوده و ضرر برعهده متعهدله قرار می‌گرفت.^{۵۲}

قاعدة فوق برای يك طرف قرارداد ایجاد سختی می‌کرد و عدم رضایت عمومی را در پی داشت، تا اینکه در سال ۱۹۴۲ در پرونده Fibrosa دادگاه عالی انگلستان (مجلس اعیان) تلاش کرد آثار سخت و ناروای این قاعده را از بین ببرد. دادگاه موفق شد نتایج این قاعده را که قرارداد تا لحظه وقوع حادثه منتفی‌کننده به لحاظ عدم از بین رفتن کامل عوض به قوت کامل خود باقی می‌ماند، نادیده بگیرد. در این پرونده تصمیم گرفته شد که امکان بازپس‌گیری پول پرداخت‌شده قبل از وقوع حادثه منتفی‌کننده (مثل پیش‌پرداخت‌هایی که در قراردادها صورت می‌گیرد) وجود دارد. در سال ۱۹۴۳، نظریات کمیته

52. Candler v. Webster, [1904]1 K.B. 493; Krell v. Henry [1903]2 K.B. 740.

تجدیدنظر قانون انگلستان درخصوص اصلاح قانون مربوط به منتفی شدن قرارداد، منتهی به وضع «قانون ۱۹۴۳ قانون اصلاحی (قراردادهای منتفی شده)» شد.^{۵۳}

اکنون به موجب ماده (۱) (۱)، این قانون جای که «قراردادی تحت حاکمیت قانون انگلستان است و از لحاظ اجرا غیرممکن یا به طریق دیگری منتفی شده است و طرفین آن بدان جهت از اجرای بیشتر (بعدی) قرارداد معاف شده اند» اعمال خواهد شد. این قانون به طور کلی دو تغییر اساسی در قواعد قبلی مربوط به منتفی شدن قرارداد ایجاد می کند. یکی اینکه تصمیم متخذه در پرونده Fibrosa را بسط داده و اجازه استرداد پیش پرداخت را می دهد. حتی اگرچه در زمان منتفی شدن قرارداد، دکترین «از بین رفتن کامل عوض» مطرح نباشد و عوض تماماً از بین نرفته باشد. دیگر اینکه این قانون می پذیرد که طرفی که در اجرای قرارداد قبل از حادثه منتفی کننده، مقداری از کار یا قرارداد را انجام داده است می تواند درخواست جبران برای نفعی که از بابت آن کار عاید طرف دیگر

53. Law Reform (Frustrated Contracts) Act 1943.

شده است بنماید. بنابراین ماده (۲) ۱ «
قانون ۱۹۴۳ قانون اصلاحی (قراردادهای
منتفی شده)»، درخصوص استرداد پول
پرداخت شده اینگونه مقرر می‌نماید:

«همة مبالغی که به هریک از طرفین
به موجب قرارداد، قبل از زمانی که
طرفین [از اجرای قرارداد] معاف بشوند
...، پرداخت شده یا قابل پرداخت
باشند، چنانچه پرداخت شده باشند، از
او به عنوان پولی که وی برای استفاده
طرفی که پول را پرداخته دریافت داشته
است، قابل استرداد خواهند بود و
در صورتی که آن مبالغ در آینده قابل
پرداخت باشند (سررسید نشده باشد)،
پرداخت آنها متوقف خواهد شد...
چنانچه طرفی که پول به وی پرداخت شده
یا قابل پرداخت است قبل از زمان
معاف شدن [از اجرای قرارداد]، به منظور
اجرای قرارداد هزینه‌هایی متحمل شده
باشد، دادگاه ممکن است، در صورتی که با
در نظر گرفتن کلیه اوضاع و احوال
پرونده عادلانه ببیند، به وی اجازه
دهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت شده
به خود را نگه دارد، یا در صورت

آثار قوة قاهره و ... ❖ ۱۲۹

قابل پرداخت بودن مبلغی به وی، آن را وصول نماید، البته نباید آن مقدار بیش از هزینه‌های متحمل شده باشد».

ماده (۳) ۱ نیز حق جبران (وصول غرامت) برای اجرای قسمتی از قرارداد (اجرای نسبی) را بدین‌گونه پیش‌بینی می‌نماید:

«در مواردی که یکطرف قرارداد به واسطه هر مقدار عملی که طرف دیگر قرارداد در اجرا یا در جهت اجرای قرارداد انجام داده، نفع باارزشی قبل از زمان معافشدن [از اجرای قرارداد] عایدش شده باشد (به‌غیر از پرداخت پول ...)، آن طرف دیگر، چنانچه دادگاه منصفانه بداند، حق وصول مبلغی (هر مقدار که باشد) که متجاوز از ارزش نفع مذکور برای طرفی که منتفع شده نخواهد بود، خواهد داشت».

باید در نظر داشت که در سیستم حقوقی انگلستان در ارتباط با منتفی‌شدن بعضی از انواع قراردادهای قواعد خاصی وجود دارد که «قانون اصلاح قانون

(قراردادهای منتفی شده) ۱۹۴۳»، متعرض آنها نمی‌شود. لذا این قانون تصریح دارد که بر قراردادهای حمل و نقل دریایی، قراردادهای اجاره کشتی دربستی، قراردادهای بیمه و قرارداد بیع کالا (عین) معین تحت ماده ۷ قانون بیع کالای ۱۹۷۹، اعمال نخواهد گردید. همچنین توافقات طرفین قراردادهای درخصوص منتفی‌شدن قرارداد، قلمرو اعمال این قانون را محدود خواهد کرد. بنابراین در قراردادهایی که مقررات خاصی برای وضعیت منتفی‌شدن قرارداد پیش‌بینی شده و یا اینکه طرفین قصد داشته‌اند که علی‌رغم وضعیت منتفی‌کننده، قراردادشان به‌عنوان قرارداد یا توافق الزام‌آور باقی بماند^{۵۴} قانون ۱۹۴۳ کاربردی ندارد. پس آنچه که امروزه به‌خصوص در قراردادهای بین‌المللی متداول است و طرفین قواعدی را درخصوص نوع حوادث قوه قاهره یا منتفی‌کننده قرارداد و آثار آن در قراردادشان پیش‌بینی می‌کنند به فرض که قرارداد مربوطه تابع قانون انگلستان هم

۵۴. چنین توافقی را قرارداد یا توافق مطلق یا غیرمشروط "unconditional or absolute obligation" می‌نامند.

باشد، به عنوان توافق ارادی طرفین معتبر و قانون ۱۹۴۳ بر آن بی‌تأثیر است.

- آیا اعلام حالت قوه قاهره یا وجود حادثه منتفی‌کننده ضروری است؟

سؤال این است که آیا برای اینکه یکطرف قرارداد بتواند به دکترین قوه قاهره یا منتفی‌شدن قرارداد استناد نماید یا کلاً برای به‌کارآمدن این دو دکترین باید قبلاً وقوع حادثه یا علت را به‌طرف دیگر اعلام کرده (اطلاع داده) باشد؟ به‌نظر می‌رسد این سؤال در دکترین منتفی‌شدن قرارداد به‌طورکلی بی‌مورد باشد. زیرا همان‌گونه که قبلاً اشاره شد وقوع حادثه منتفی‌کننده، قرارداد را به‌طور اتوماتیک و بدون نیاز به هیچ چیز دیگری خاتمه می‌دهد و اثر حقوقی آن بستگی به نظر و اطلاع طرفین از واقعه ندارد.^{۵۵} بنابراین صرف اثبات وقوع حادثه کافی است که قرارداد منتفی‌شده محسوب شود.

در حالت قوه قاهره نیز به نظر نمی‌رسد که اعلان آن حالت، تکلیف طرفی

55. Treitel, Contract, 7th ed., (1987, London, Butter worths), p. 702.

باشد که بعداً می‌خواهد بدان استناد نماید. اینکه بار اثبات وجود حالت قوه قاهره برعهده خواننده (کسی که درصدد اتکا بر قوه قاهره است) می‌باشد، می‌تواند بدین دلیل باشد که غالباً خواهان، اطلاعی از وقایعی که مانع انجام قرارداد شده اند نداشته و همچنین وسایلی برای کشف وضعیت امور در اختیار ندارد، و چنین اطلاع و وسایلی اختصاصاً در اختیار خواننده می‌باشد. و به این دلیل است که بار اثبات قوه قاهره برعهده خواننده توجیه عادلانه می‌یابد والا چنانچه خواننده را موظف بدانیم که قبلاً وجود قوه قاهره را به طرف دیگر اعلان نماید در این حالت ناعادلانه می‌نمود که بار اثبات وجود قوه قاهره برعهده خواننده باشد، بلکه باید بار اثبات عدم آن به همراه اثبات دعوا برعهده خواهان باشد.

به هر حال، باید در نظر داشت که ممکن است مسئله اعلان قوه قاهره در قراردادهای داخلی چندان مطرح نباشد، اما در قراردادهای بین‌المللی می‌تواند دارای اهمیت خاصی باشد زیرا ممکن است یکطرف قرارداد از اینکه طرف دیگر که در

کشور دیگری است و در عدم اجرای قرارداد مواجه با قوه قاهره می‌باشد بی‌اطلاع بوده و اقداماتی را به‌عمل آورد که در صورت آگاه بودن از وقوع قوه قاهره یا حادثه منتفی‌کننده به‌عمل نمی‌آورد و خسارت کمتری متحمل شود. لذا ممکن است استدلال شود که اصول حسن‌نیت در اجرای قراردادها و اجرای منصفانه آنها^{۵۶} ایجاب می‌کند که طرفی که در حالت قوه قاهره قرار می‌گیرد وضعیت را به طرف دیگر اعلام نماید. در اینجا باید متذکر شد که این اصول نمی‌توانند مبنای عدم کاربرد دکترین قوه قاهره قرار گیرند.^{۵۷} نمی‌توان به صرف

56. Good faith and equitable performance of contract.

۵۷. در سیستم‌های حقوقی کشورهای که اصول حسن‌نیت و اجرای منصفانه در قراردادها پذیرفته شده‌اند مانند آلمان، سوئیس و فرانسه، این اصول مبنای اعمال دکترین دیگری به‌عنوان دکترین سختیهای غیرمنتظره (L'imprevisions) به‌شمار می‌روند که اصولاً در قراردادهای اداری (عمومی) کاربرد دارند. مثلاً در سیستم حقوقی فرانسه با اشاره به ذیل ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه که مقرر می‌دارد: «قراردادها باید با حسن‌نیت انجام شوند Elles doivent être exécutees de bonne foi»^{۵۸} عمومی وقتی در نتیجه اوضاع و احوال بحرانهای اقتصادی، اجرای تعهدی چندین‌برابر آنچه در هنگام انعقاد قرارداد پیش‌بینی شده هزینه برمی‌دارد، این مخالف اصل حسن‌نیت است که متعهد ملزم به اجرای چنین تعهدی باشد که در هنگام انعقاد قرارداد اصلاً در نظر طرفین نبوده است. لذا چنین قراردادی یا باید تعدیل شود یا منحل. در دکترین سختیهای غیرمنتظره، اصول حسن‌نیت و اجرای

عدم آگاه نمودن طرف مقابل از قوه قاهره، متخلف را دارای سوء نیت دانسته و از دفاع قوه قاهره محروم و وی را مسئول خسارتهای ناشی از نقض قرارداد دانست زیرا نه نصّ قانونی در این خصوص وجود دارد و نه توافق طرفین.

ممکن است به کمک قواعد مربوط به تسبیب گفت که عدم اطلاع وقوع قوه قاهره توسط طرفی که موضوع آن قرار گرفته موجب خسارت به طرف دیگر شده و لذا وی مسئول این خسارت (خسارت ناشی از عدم دادن آگاهی) است. اما نکته آن است که در تسبیب عنصر تقصیر وجود دارد و پرداخت خسارت بر مبنای تقصیر موکول به اثبات سه امر است: وجود ضرر، ارتکاب فعل زیانبار و وجود رابطه سببیت بین فعل زیانبار و

منصفانه قراردادهای غالب بر اصل الزام آور بودن قراردادهای می‌شوند و لذا نمی‌توان در جایی که اوضاع و احوال به گونه‌ای تغییر می‌کند که عوضی را که طرفین در ابتدای قرارداد در نظر داشته‌اند مطلقاً بی‌معنی می‌سازد، یکطرف را ملزم دانست که قرارداد را اجرا نماید. چنانچه طرف دیگر موافق با حل و فصل منصفانه نباشد، قرارداد باید منحل شود. بنابراین چنانچه اوضاع و احوال به گونه‌ای شود که لازم شود یکطرف در اجرای قرارداد فداکاری و تلاشهایی نماید که اصلاً در ابتدای قرارداد پیش‌بینی نشده بودند با اصل حسن‌نیت و اجرای منصفانه قرارداد منافات دارد.

آثار قوه قاهره و ... ❖ ۱۳۵

ضرري که وارد شده است.^{۵۸} يعني ضرر وارده بايد ناشي از فعل زيانبار باشد و براي اينکه شخص در برابر ديگري متعهد به جبران خسارت گردد بايد رابطه سببیت بين فعل زيانبار و آن ضرر وجود داشته باشد. اما عدم دادن آگهي نسبت به وجود قوة قاهرة در واقع يك فعل منفي يا به طريقي ترك فعل است که به خودي خود نمي تواند موجب مسئوليت مدني باشد و نياز به مجوز قانوني يا تعهد قراردادي (توافق) دارد.^{۵۹}

بنابراين براي اينکه بتوان متخلف از اجراي قرارداد را مسئول خسارتهاي وارده ناشي از عدم گزارش وقوع قوة قاهرة به طرف ديگر قلمداد نمود بايد لزوم آن در قانون مقرر شده باشد يا طرفين الزام آن را در قرارداد خود پيش بيني نموده باشند. بدین جهت است که طرفين قراردادها به خصوص قراردادهاي بين المللي معمولاً گزارش وقوع قوة قاهرة را در قرارداد خود شرط مي کنند. اين نکته در عهدنامه هاي بين المللي نيز مورد

۵۸. امامي، دکتر سيدحسن، «حقوق مدني»، جلد اول، صص ۳۹۰-۴۱۱.

۵۹. همان منبع، ص ۴۰۱.

توجه بوده کما اینکه به‌عنوان نمونه عهدنامه بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ وین^{۶۰} در ماده ۷۹ پس از مقرر نمودن قواعد مربوط به قوه قاهره در بندهای ۱، ۲ و ۳، در بند ۴ لزوم دادن آگاهی را بدین‌صورت پیش‌بینی می‌کند: «طرفی که در اجرا قصور می‌کند باید طرف دیگر را از مانع و تأثیر آن بر قدرت انجام خود آگاه نماید. چنانچه اعلان توسط طرف دیگر در يك مدت‌زمان معقولي پس از آن مدت که طرفی در انجام قصور نموده از مانع آگاه شده یا باید آگاه می‌شد، دریافت نگردد، مسئول خسارت ناشی از چنین عدم دریافتی خواهد بود».^{۶۱} جالب توجه است که در عهدنامه سلف عهدنامه بیع بین‌الملل وین یعنی عهدنامه درخصوص «قانون متحدالشکل مربوط به بیع بین‌المللی کالا (ULIS)، ۱۹۶۴»، علی‌رغم پیش‌بینی قوه قاهره در ماده ۷۴، مطلبی درخصوص دادن آگاهی در ارتباط با وقوع قوه قاهره به طرف مقابل

60. United Nations Convention on Contracts for International Sale of Goods, 1980.

61. Article 79: (4): "The party who fails to perform must give notice to the other party of the impediment and its effect on his ability to perform. If the notice is not received by the other party within a reasonable time after the party who fails to perform knew or ought to have known of impediment, he is liable for damages resulting from such non-receipt".

وجود ندارد. تدوین‌کنندگان این عهدنامه در خصوص درج مقرره‌ای مربوط به گزارش قوه قاهره به طرف مقابل معتقد بودند: «گرچه این ایده ظاهراً جذاب است، اما ممکن است مسائل مشکلی را در خصوص اعلان موانع قریب‌الوقوع یا ممانعت‌کننده اجرا ایجاد کند، مثلاً چنانچه بیم قطع اجرای قرارداد وجود داشته باشد، آیا طرف قرارداد مکلف به آگاه نمودن طرف دیگر از این بیم می‌باشد؟»^{۶۲}

نتیجه

۱. درباره آثار قوه قاهره و انتفای قرارداد باید به این نکته اساسی و عمده توجه داشت که در نظام‌های حقوقی نوشته و فرانسه قوه قاهره در سیستم اصل مسئولیت مقصر (fault liability) مطرح است درحالی‌که انتفای قرارداد قاعده‌ای در نظام‌های حقوقی کامن‌لا و انگلستان می‌باشد که تفکر و ایده مسئولیت مطلق (absolute liability) حکم‌فرماست. در سیستم حقوقی فرانسه بار

62. Evan McKendrick, (ed): "Force Majeure and Frustration of Contract", Lloyd's of London Press Ltd., 1991, p. 189.

اثبات عدم تقصیر برعهده کسی گذاشته شده است که متخلف از اجرای تعهدات است و اوست که می‌تواند به قوه قاهره استناد نماید، ولی در سیستم حقوقی انگلستان دکترین انتفای قرارداد به‌عنوان یک عامل تعدیل‌کننده و استثنا بر تئوری مسئولیت مطلق پذیرفته شده است و به‌عنوان خاتمه‌دهنده قرارداد هر دو طرف می‌توانند بدان استناد نمایند.

۲. در قوه قاهره مسئله این است که آیا حادثه منتهی به قوه قاهره، اجرای قرارداد یا تعهد را متعذر و ممتنع نموده است یا نه. اما در منتفی شدن قرارداد باید فرض شود که حادثه مطلقاً قصد مشترك طرفین را نفي می‌کند.

۳. در قوه قاهره مسئله عدم امکان اجرای یک یا چند تعهد یک طرف قرارداد مطرح است، درحالی‌که در منتفی شدن قرارداد، عدم امکان اجرای تمامی قرارداد. گرچه این دو در مواردی با هم منطبق می‌شوند و عدم اجرای تعهد در واقع عدم اجرای قرارداد خواهد بود، اما همیشه این‌گونه نیست. قوه قاهره ممکن است باعث تأخیر در اجرای قرارداد یا

اجرای تعهدی از قرارداد (اجرای قسمتی از قرارداد (partial impossibility) یا به عبارت دیگر باعث تعلیق اجرای قرارداد شود. عدم امکان اجرای موقت یا قسمتی از قرارداد در حقوق انگلستان شناخته شده نیست و عدم امکان اجرایی که در این دکترین مطرح است تمامی قرارداد را منتفی مینماید که منتهی به خاتمه قرارداد میشود. بنابراین در قوه قاهره موقت یا مؤثر بر قسمتی از قرارداد، متعهد (مدیون) معاف از مسئولیت پرداخت خسارت ناشی از تأخیر در اجرا خواهد بود، درحالی که در حقوق انگلستان امکان بحث و بررسی اثر موانع موقت یا موانع مؤثر بر قسمتی از قرارداد که بر تمامی قرارداد اثر نمیکند و آن را خاتمه نمیدهند، وجود ندارد.

۴. در سیستم حقوقی انگلستان موارد بسیاری مطرح میشود که اجرا توسط يك طرف قرارداد غیرممکن میگردد و تعهد طرف دیگر باقی میماند. در چنین حالتی در این سیستم حقوقی طرفی که نمیتواند تعهد خود را انجام دهد به قاعده غیرممکن شدن قرارداد استناد میکند و طرف دیگر به

دکترین ازبین رفتن کامل عوض (Total failure of Consideration) در این صورت دکترین منتفی شدن قرارداد مشابه دکترین قوه قاهره می شود که در کشورهای حقوق نوشته به عنوان دفاع مطرح می گردد.

۵. در قوه قاهره معافیت از مسئولیت برای پرداخت خسارت مطرح است که این مغایر دکترین منتفی شدن قرارداد است که قرارداد را خاتمه یافته می داند. در سیستم حقوقی فرانسه چنانچه یک طرف قرارداد را اجرا نکند، دادگاه برحسب ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی فرانسه، قرارداد را منحل یا فسخ خواهد نمود و در صورتی که قوه قاهره دائماً یا تماماً اجرائی قرارداد را غیرممکن نسازد، می تواند تعهد متعهد را تقلیل یا تغییر دهد؛ درحالی که در سیستم حقوقی انگلستان با وقوع حادثه منتفی کننده، قرارداد به طور اتوماتیک در زمان وقوع حادثه خاتمه می یابد و مشروط به منحل کردن توسط یک یا دو طرف قرارداد نیست و قاعداً آثار منتفی شدن قرارداد مربوط به بعد از وقوع حادثه است و تعهدات آینده قرارداد را خاتمه می دهد و اثری بر تعهداتی که باید

آثار قوه قاهره و ... ❖ ۱۴۱

قبل از حادثه انجام شوند ندارد (به شرط اعمال قانون ۱۹۴۳). به عبارت دیگر قوه قاهره به خودی خود موجب سقوط تعهد نیست، اما دکترین منتفی‌شدن قرارداد، خاتمه و پیش‌هنگام قرارداد را مقرر می‌کند و از موجبات سقوط تعهدات (discharge of contract) محسوب می‌شود.

۶. به‌طورکلی مشکلات مربوط به خسارت تا حدی در «قانون اصلاح (قانون قراردادهای منتفی‌شده)» ۱۹۴۳ انگلستان پیش‌بینی شده‌اند، اما در سیستم حقوقی فرانسه و ایران بحث‌چندانی از آنها نیست. البته دامنه محدود قوه قاهره نسبت به دکترین منتفی‌شدن قراردادها اهمیت عملی این موضوع را تا حدی تقلیل می‌دهد.

۷. در سیستم حقوقی انگلستان، متخلف از انجام تعهد باید ثابت کند که اجرای قرارداد غیرممکن است یا اجرای آن به‌گونه‌ای عمیقاً تغییر کرده که منتهی به اجرای تعهدی غیر از آنچه در قرارداد مقرر شده و در نظر طرفین بوده است می‌شود. درحالی‌که در سیستم حقوقی فرانسه، طرف متخلف از تعهد باید تقصیر

را نفي کند (اثبات اینکه عدم اجرا به واسطه عاملي غيرقابل پیشبینی یا خارج از کنترل بوده است).

نتیجه نهایی و کلی قوه قاهره این است که خطرات (زیانهای) آینده عدم اجرای قرارداد را برعهده متعهدله میگذارد و این حالتی است تحمیلی و موضوعی است که در دکتین منتفی شدن قرارداد، به لحاظ مشخص شدن وضعیت خسارت طرفین توسط قانون تاحدی حل شده است. به علاوه، اینکه طرف متأثر از قوه قاهره تکلیفی برای اعلان آن به طرف دیگر ندارد، در پاره ای موارد به خصوص در قراردادهای بین المللی می تواند آثار ناروایی برای طرف دیگر داشته باشد. طرفین می توانند با درج شرطی مناسب و مقتضی در خصوص قوه قاهره در قرارداد، (Force Majeure Clause) با تخصیص این خطرات و آثار با یکدیگر توافق نموده و آن نتیجه تحمیلی را تعدیل نمایند در شرط قوه قاهره می توان مقرر نمود که طرفی که می خواهد به قوه قاهره استناد نماید، باید وقوع آن را در مدت زمان خاصی به طرف دیگر اعلام کرده باشد. بدیهی است

آثار قوه قاهره و ... ❖ ۱۴۳

چنین مقرره ای توأم با ضمانت اجراء، تقویت‌کننده جوّ سالم و تفاهم‌آمیز و با حسن‌نیت طرفین که لازمة همکاریها و مبادلات تجاری بین اشخاص در سطح داخلی و بین‌المللی است، بوده و نیز می‌تواند برای هر دو طرف قرارداد سودمند باشد؛ به طرف دیگر (متعهدله) این فرصت را می‌دهد که آسانتر بتواند درخصوص ایجاد و وسعت قوه قاهره بررسی کند و مانع از این خواهد شد که طرف متأثر (متعهد)، سالها بعد از وقوع قوه قاهره ناگهان در دعوایی بدان متمسک شود.